



مختلف مفید و مؤثر است؛ زیرا اولاً برای خود اعضا حائز اهمیت است و از نظرات یکدیگر بهره‌مند می‌شوند و انس و الفت بیشتری بین آنها برقرار می‌شود و ثانیاً مباحثی که مطرح می‌کنند، می‌تواند از طریق مجلهٔ مبلغان در اختیار مبلغان کشور قرار گیرد.

پس از بیانات معاون محترم تبلیغ حوزه، هر یک از مبلغان و اساتید گرامی دربارهٔ موضوع جلسه به

در هفتمین گردهمایی جامعهٔ مبلغان کشور، مسئلهٔ سقوط اخلاق و ارزشها در خانواده و راههای حل این معضل مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. در این جلسه که حضرت آیت الله مقتدایی، مدیر محترم حوزه‌های علمیه نیز حضور داشتند، حجت الاسلام والمسلمین نبوی، معاون تبلیغ و آموزشهای کاربردی حوزه‌های علمیه، ضمن طرح بحث گفتند: «این جلسات از جهات

ازدواج - که شکل گیری خانواده است - سه مشکل اساسی وجود دارد که باید در تبلیغ به آن پرداخته شود:

۱. سن ازدواج.

۲. هزینه ازدواج و فرآیند پولی که در ازدواج، مهریه و ... وجود دارد.
۳. فرهنگ ازدواج و آداب و سنتی که در آن وجود دارد.

دوم، روابط داخل خانواده است. عمده ترین آموزه اسلام در این باره این است که رابطه مرد با زن باید بر اساس محبت و رابطه زن با مرد بر اساس اطاعت و حفظ اقتدار باشد. در شرایط فعلی روابط زن و شوهر، یا والدین و فرزندان و حتی فرزندان با یکدیگر، با نظام دینی مورد توجه قرار نمی گیرد و فقط گاهی تذکراتی اخلاقی روی منبر گفته می شود.

گاهی مستمعین می گویند: منبرها اغلب حق والدین بر فرزندان را می گویند؛ اما حق فرزندان بر والدین را کم بیان می کنند. وقتی بحث والدین و فرزندان را می خواهم

اظهار نظر پرداختند و در پایان جلسه، مدیر محترم حوزه های علمیه بیاناتی ایراد فرمودند. خلاصه برخی از بیانات و نظریه های اساتید و مبلغان گرامی را در ذیل می آوریم:

### حجت الاسلام والمسلمین

#### ماندگاری

به نظر می رسد در تحکیم ارزشهای خانواده، اگر از نگاه دین در سه محور درست بحث نشود، قطعاً ما به نتیجه درستی نمی رسیم. یکی از بزرگ ترین مشکلات ما این است که در مباحث خانواده و در کل مباحثی که مربوط به تقویت دین است، نگاه گزینشی می کنیم، نه نگاه نظام مند. در بحث خانواده، اولاً شکل گیری خانواده باید دینی باشد؛ وگرنه طبیعتاً تحکیم ارزشها در آن صورت نمی گیرد و «خشت اول چون نهد معمار کج/ تا ثریا می رود دیوار کج». تا ازدواج با آموزه های دینی اجرا نشود، ما مشکل خواهیم داشت. در

بگویم، این لطفه را نیز بیان می‌کنم که: بچه‌ای پدرش را اذیت می‌کرد، پدرش گفت: اذیتم نکن، و الا عاقبت می‌کنم، بچه گفت: من هم عوقت می‌کنم. گفت: عوق چیست؟ گفت: هرکس مرا دید، می‌گوید: بر پدر و مادرش لعنت.

روابط در خانواده سه بخش دارد: زن و شوهر، والدین و فرزندان و فرزندان با یکدیگر که در هر کدامشان شاخصهای دینی را خیلی جالب می‌شود بیان کرد. به عنوان مثال: در رابطه فرزندان با پدر و مادر - به اندازه ای که من گشتم - روایات سه شاخص را خیلی مورد توجه قرار داده‌اند: ادب و احترام، اطاعت، و خدمت. همه بحثها را می‌توان در این سه محور خیلی زیبا بیان کرد.

بحث سوم، محصول خانواده است که به تربیت مربوط می‌شود. من از فصل چهارم کتاب «فاطمه بانوی نمونه اسلام» نوشته آیت الله امینی الهام گرفتم و گفتم: اساس تربیت

فاطمی در خانواده براساس پنج تنظیم است. تربیت را تنظیم معنا کردیم و گفتیم: تربیت یعنی تنظیم. زیادی هر چیزی بد است، کمبودش نیز مشکل ایجاد می‌کند. اگر این پنج تنظیم را در محصول خانواده مورد توجه قرار دهیم، قطعاً خیلی از ارزشها را در خانواده می‌بینیم. این پنج تنظیم عبارت‌اند از:

۱. تنظیم محبت.
۲. تنظیم شخصیت.
۳. تنظیم ظاهر و باطن - که در آنجا به تقوا اشاره می‌شود. - یعنی ایمان و عمل با هم تنظیم گردد.
۴. تنظیم روابط که احترام متقابل، احترام به یکدیگر و... است.
۵. تنظیم سرمایه‌ها. مثلاً مدیریت زمان را در آنجا بیان می‌فرمایند. به نظر می‌رسد اگر بخواهیم ارزشها در خانواده تحکیم یابد، در این سه فصل: «شکل‌گیری خانواده که بحث ازدواج است، روابط خانواده که خود دارای سه محور است و

تصمیم بدون تشخیص، و اراده بدون شناخت امکان‌پذیر نیست.

ثانیاً: بنده معتقدم پدر، مادر، همسر، دختر، و پسر، همدیگر را خوب نمی‌شناسند. اگر جایگاه هر کدام در خانه شناخته شد، قطعاً به صواب به یکدیگر نزدیک خواهند شد. ۴۰ سال قبل در تهران در تاکسی نشسته بودم. یکی از دختران رضاشاه درباره حقوق زن، عدم تساوی حقوق زن با مرد و اینکه زن به حقش نرسیده است، از طریق رادیو بحث می‌کرد. گفت: ۳۰ سال قبل حق زن ایرانی داده شد. به عقب - تاریخ - برگشتم، دیدم که قصه کشف حجاب پدرش را می‌گوید. او کشف حجاب پدرش نسبت به ناموس ایران را احقاق حق زن ایرانی می‌داند. ما باید از بیان معصومین علیهم‌السلام جایگاه اعضای خانواده را بشناسیم و بفهمیم و بعد به مردم هم بگوییم.

در «ثواب الاعمال» مرحوم صدوق روایت بسیار جالبی درباره جایگاه

محصول خانواده که نتیجه تربیت است. و در پنج تنظیم، باید با آموزه‌های اسلامی بیان شود. که در این صورت ما خانواده‌ای اسلامی را ساخته‌ایم. اگر در این سه بخش، ارزشهای خانواده مورد توجه بزرگواران قرار بگیرد، بسیار خوب است.

ماه رمضان در پیش است؛ زیباترین فرصت برای مباحث تربیتی، همین ماه است. اگر بحث خانواده را در این سه بخش، برای مردم بیان کنیم و کلی‌گویی نکنیم خیلی مؤثر است. من عنوان این بحث را «مدیریت دینی در زندگی» می‌گذارم؛ مدیریت دینی در شکل‌گیری زندگی، مدیریت دینی در روابط زندگی و مدیریت دینی در تربیت.

### حجت الاسلام والمسلمین صالحی

#### خواهش‌سازی

اولاً: اگر اخلاق و ارزشهای خانواده سقوط کرده است، باید علت سقوط را بفهمیم؛ زیرا هیچ وقت

أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا) یک شب دربارہ جایگاه دختر، یک شب جایگاه پسر. اگر واقعاً ما تصمیم بگیریم به مردم نسبت به حقوقش، حریمش، بدهکاریش و بستانکاریشان شناخت بدهیم، تا حد زیادی مشکل حل می‌شود. وقتی شناخت بالا رفت، قطعاً تصمیم‌گیری درست‌تر می‌شود. خانواده‌ها به هم نزدیک می‌شوند و حریم همدیگر را حفظ می‌کنند. همیشه تصمیم، فرع بر تشخیص است و اراده و عزم، فرع بر شناخت. وقتی شناخت در جامعه نیست، حقوق و ارزشها سقوط می‌کند.

### حجت الاسلام و المسلمین

مقدسینان

من علاوه بر تأیید صحبت‌های جناب آقای خوانساری، عرض می‌کنم که:

۱. علت اصلی سقوط ارزشها در جامعه، ضعف ایمان در خانواده است. آنجایی که ایمان قوی‌تر است، این

اعضای خانواده دیدم که خیلی حیرت‌آور است. واقعاً پدر و مادرها می‌فهمند دخترشان یعنی که؟ یعنی چه؟ جایگاه دختر را می‌دانند؟ نمی‌دانند. جایگاه پسر را می‌دانند؟ نمی‌دانند. پسر و دختر جایگاه پدر و مادر را می‌دانند؟ نمی‌دانند. پدر نسبت به همسرش، نسبت به مادر خانه؟ در آن روایت امام صادق علیه السلام فرمود: «الْبَنَاتُ حَسَنَاتٌ وَالْبُيُوتُ بِعَمِّ وَالْحَسْبَةُ يُنَابُ عَلَيْهَا وَالنِّعْمَةُ يُسْتَلُّ عَنْهَا»، اگر پدر و مادر، دختر را به منزله حسنه‌ای مثل تلاوت قرآن و نماز شب نگاه کنند، می‌فهمند چگونه با او تعامل داشته باشند و همچنین پسر را که نعمت است.

بنده معتقدم در خانواده‌ها شناخت نیست. اگر بنده دهه‌ای را منبر بروم، کما اینکه این کار را کرده‌ام، یک شب فقط دربارہ جایگاه پدر در خانواده صحبت می‌کنم. یک شب فقط دربارہ عزت مادر، حقوق و اولویتش. یک شب دربارہ همسر «خَلَقَ لَكُمْ مِنْ

توصیه کنیم و از آن بخواهیم که تبلیغات دینی را از طریق تلویزیون، تبلیغات خیابانی و ... انجام دهد. به عنوان نمونه: بیلبردهای تبلیغاتی الی ماشاءالله وجود دارد؛ اما نوشته‌هایی که موجب تبلیغ دین شود، بر روی آنها بسیار اندک مشاهده می‌شود. روی این بیلبردهای تبلیغاتی می‌شود یک حدیث دینی زد. این حدیث در جامعه اثر می‌گذارد و اثرش را در خانواده خواهد گذاشت. تلویزیون نیز باید در اختیار تبلیغ دین باشد و اگر درباره خانواده فیلم ساخته می‌شود، دینی باشد. گاهی در فیلمهایی که ساخته می‌شود، علناً دوست پسر و دوست دختر داشتن به رسمیت شناخته می‌شود و خانواده‌ها از آنها پذیرایی و استقبال می‌کنند.

حریم شکنیهای پدر و مادر که در فیلمها مشاهده می‌شود، اثرات منفی خود را به جای خواهد گذاشت. اگر یک برنامه‌ریزی جامع برای بیان احکام انجام شود و احکام در

مسائل وجود ندارد. متأسفانه حلقه گمشده جامعه ما «ایمان» است.

۲. در خانواده‌ها دو چیز فراموش شده است: یکی اینکه احکام را بیان نمی‌کنیم و احکام در خانواده‌ها نیست. آنجایی که می‌بینیم سقوط است، اصلاً به رساله عملیه مراجعه نمی‌کنند و مسائل را اشتباه عمل می‌کنند و دیگر اینکه احادیث را توضیح نمی‌دهیم. احادیث اخلاقی و نکاتی که جناب آقای صالحی نیز فرمودند. و بعد هم عملیاتی کردنشان.

۳. نکته‌ای که جناب آقای ماندگاری، در بحث ماه رمضان فرمودند، از حالا باید برایش فکر و برنامه‌ریزی شود که منابع چطوری بیان شود؛ بحث احکام و اخلاق خانواده و ... چگونه به مخاطب منتقل شود؟

۴. حکومت در اختیار ماست؛ ولی متأسفانه این را فراموش کرده‌ایم، و فکر می‌کنیم تافته جدا بافته و از حکومت جدا هستیم. باید به حکومت

درباره خضرَاء الدمن سؤال می‌کنند، حضرت رسول ﷺ می‌فرماید: «الْمَرْأَةُ الْحُسْنَى فِي مَنْبَتِ السُّوءِ». اگر از اول؛ چه مردی که می‌خواهد همسر انتخاب کند و چه زن، روی این مسئله اهمیت ندهند، قطعاً مسائل و مشکلات بعدی به وجود خواهد آمد. اگر زنی فرهنگ دینی در وجودش نباشد، اعتقادات دینی‌اش ضعیف باشد، اخلاقش اسلامی نباشد، روی زندگی و بچه‌هایش تأثیر زیادی خواهد گذاشت که در این زمینه روایات فراوان است.

تأثیر غذای حرام در زندگی، یکی از مسائل بسیار مهم است. این جریان را همه عزیزان مستحضر هستند که مرحوم حاج شیخ فضل‌الله نوری در نجف اشرف (البته با کمی اختلاف در نقل) خانه‌ای اجاره کردند یا خریدند و بعد از مدتی متوجه می‌شوند که همسایه این خانه یک یهودی است. خواهرش فرزند ایشان را بغل می‌کند و بیرون می‌آید، بچه گریه می‌کند، زن

خانواده‌ها رسوخ کند؛ چه از طریق تلویزیون و چه در تبلیغات خیابانی و بعد هم منابر، تا حد زیادی مشکلات حل می‌شود.

### حجت الاسلام و المسلمین صمدی

بنده نیز فکر می‌کنم عامل بسیار مؤثر در سقوط اخلاقی و ارزشها در خانواده، دور افتادن از آموزه‌های دینی است که اگر واقعاً به آنچه مکتب اسلام به طور صریح و واضح در همه امور و مسائل برای ما بیان کرده، توجه کنیم و در جامعه، به خصوص زندگی خانوادگی پیاده شود، یقیناً این سقوط ارزشها و اخلاق را در نظام خانواده شاهد نخواهیم بود. وقتی ما به مکتب اسلام نگاه می‌کنیم، می‌بینیم علی‌رغم اینکه در اصل ازدواج به سهولت و آسانگیری بسیار سفارش کرده است؛ چه نسبت به مهریه و چه نسبت به مسائل زندگی؛ اما در مسائل اعتقادی، دینی و اخلاقی سختگیری خیلی شدیدی دارد و در آن روایت معروف «إِيَّاكُمْ وَ خَضْرَاءَ الدُّمْنِ»، وقتی

سراغ همسرش بیاید، به غیرتش بر  
نمی خورد.

ممکن است بعضی افراد در جامعه  
اهمیت ندهند که صدای موسیقی چه  
مشکلی ایجاد می کند؛ ولی تأثیرات آن  
زیاد است.

مسئله چهارم، تربیت فرزندان از  
دوران کودکی است. یکی از چیزهایی  
که متأسفانه الان در جامعه، حتی در  
بین متدینها دیده می شود، این است  
که پدر خودش متدین، مذهبی،  
مسجدی، اهل نماز و در صف اول  
جماعت است، همسرش محجبه و  
متدینه است؛ ولی فرزند را تا دو سه  
سال بعد از سن تکلیف هنوز وادار  
نکرده اند که حجاب اسلامی را  
رعایت کند. فرزند را یک مرتبه  
نمی شود اجبار کرد و گفت: از فردا  
حتماً باید چادر بپوشی! اینکه در  
روایات سفارش شده است که  
فرزندان را از ۶ سالگی به نماز  
وادار کنید، به خاطر این است که اگر  
او را از بچگی به سمت تربیت‌های

همسایه می گوید: چرا گریه می کند؟  
می گوید: بچه گرسنه است، و زن  
یهودی او را شیر می دهد. وقتی حاج  
شیخ فضل... نوری می آیند و این  
جریان را متوجه می شوند، بسیار  
افسرده و ناراحت می شوند و نقل  
می کنند که انگشت در حلق بچه  
می زد تا شیری که خورده بود از  
معدده اش خارج شود. در عین حال  
وقتی برای ایشان نقل می کنند که  
فرزند شما چنین عقیده و افکاری  
دارد، ایشان می فرماید: تأثیر همان  
یکی دو ساعت شیری است که در  
شکم بچه مانده بوده و در نهایت نیز  
فرزند شیخ عاقبت بدی پیدا کرد.

نکته سوم، عدم پرهیز از محرّمات  
است. روایتی است از امام صادق علیه السلام  
که می فرماید: «اگر در خانه ای چهل  
روز صدای ساز و آواز و موسیقی  
باشد و مرد این خانه هم بشنود و  
جلوگیری نکند، شیطان در تمام  
اعضای مرد خانه می دمَد و چنان او را  
بی غیرت می کند که اگر مردی به



دینی کشاندیم، با تربیت دینی بار می‌آید.

مسئله پنجم، ارتباط با مجالس و محافل مذهبی است. وضعیت فرهنگی و اخلاقی شهرهایی که در آنها جلسات مذهبی بیش‌تر است و مردم با این مجالس و محافل ارتباط دارند، به مراتب از شهرهایی که چنین مجالس و محافلی ندارند یا کم دارند بهتر است؛ چه در مسائل خانوادگی، چه مسائل اجتماعی و چه مسائل مختلف دیگر. ارتباط با این مجالس نیز می‌تواند در این جهت نقش مؤثر و مثبتی داشته باشد و عدم یا ضعف آن می‌تواند در سقوط ارزشهای اخلاقی مؤثر باشد؛ به خصوص در مسائل خانوادگی.

#### حجت الاسلام و المسلمین واضحی

به نظر می‌رسد که بخشی از علل سقوط ارزشها در خانواده برمی‌گردد به اینکه ارزشها را برای خانواده‌ها خوب تعریف نکرده‌ایم؛ یعنی گاهی بعضی ضد ارزش را در خانواده

ارزش یا یک ارزش را ضد ارزش می‌دانند؛ چون تفکرشان نسبت به تعریف ارزش معلوم نیست؛ لذا دچار سقوط اخلاقی می‌شوند. هم خود ارزش را نمی‌تواند تعریف کند و هم نمی‌داند متولی تعیین ارزش و ضد ارزش در جامعه کیست؟

خیلی وقتها خانواده‌ها بر اساس عقل خودشان تشخیص می‌دهند که فلان عمل ارزش است و حال آنکه ارزش نیست و یا فقط از کسی شنیده که این ارزش است، یا به صورت آبا و اجدادی یا از بخشی از جامعه که تعیین ارزش و ضد ارزش به او مربوط نیست، چنین چیزی را به دست آورده است. ارزش یا باید به مبانی عقلی برگردد و یا به دین و شرع. گاهی عقل می‌تواند تشخیص دهد که فلان چیز ارزش یا ضد ارزش است؛ مثل مزاحمت برای دیگران که ضد ارزش است؛ اما خیلی از چیزها را عقل نمی‌تواند تشخیص دهد و خانواده متوجه نیست که این

ارزشهایی را که در خانواده دارند، به واسطه ارتباط با روحانیت به ارزش تبدیل کنند. دیگر اینکه یکسری روحانیونی تربیت کنیم که نسبت به مسائل خانواده مسلط باشند. الان اگر کسی مباحث خانوادگی را در جامعه مطرح کند، زود رشد می‌کند؛ زیرا مسائل خانوادگی کم مطرح می‌شود. اگر یک نفر اندکی در مسائل خانوادگی تخصصی عمل کند، زود چهره شده و مراجعاتش زیاد می‌شود. این، هم نشان می‌دهد که مشکل در خانواده‌ها زیاد است و هم علامت این است که کسانی که اهل تخصص باشند کم هستند. مسائل خانوادگی باید در منابر دقیق بیان شده و عملیاتی شود تا مردم حس کنند که ما داریم به صورت موردی بحث می‌کنیم. اگر کلی‌گویی کنیم، مستمع خیلی استفاده نمی‌کند.

**حجت الاسلام والمسلمین صابری**

**اراکي**

چند نکته قابل توجه است:

امور مربوط به شرع است، و این دین است که باید ارزشی یا غیر ارزشی بودن یک کار را تعریف کند؛ از اینرو دچار سقوط ارزشها در نظام خانواده می‌شود.

اگر مبلغین می‌خواهند به مسئله تحکیم خانواده و رفع سوء اخلاق در آن بپردازند، به نظر می‌رسد که باید از جایی شروع کنند که ریشه‌ای باشد و آن این است که اول تعریف کننده و تشخیص دهنده ارزش را در نظام خانواده مشخص کنند که همانا اهل بیت علیهم السلام هستند و نظر آنان امروز از طریق فقاہت و مرجعیت قابل دسترسی است. مردم ارزشهای اخلاقی را باید از فقاہت و دین بگیرند تا بتوانند در زندگیشان جلوی یکسری ضد ارزشها را بگیرند.

برای این مسئله به نظر می‌رسد که چند راهکار وجود دارد: یکی اینکه ما باید خانواده‌ها را سوق بدهیم به اینکه ارتباطشان را با علما، مبلغین و روحانیت عمیق‌تر کنند تا آن ضد

بینیم احادیث اهل بیت علیهم السلام را چطور می‌توان در خانواده‌ها نفوذ داد. خانواده‌هایی که پای منبرها می‌آیند، قطعاً از طریق منبر مطالبی به ایشان منتقل می‌شود؛ ولی برای خانواده‌ای که با منبر آشنا نیست، چه باید کرد؟ این نکته بسیار مهم و امروز فقرش در جامعه کاملاً مشهود است.

بنده در اینجا راهکاری ارائه می‌کنم: هرکس بخواهد ازدواج کند، باید به مرکزی مراجعه کند تا معلوم شود که بیماری ژنتیک ندارد. پس از احراز صلاحیت از نظر ژنتیک، باید در کلاسی شرکت کند تا راه جلوگیری از فرزند دار شدن و همین‌طور راه پیشگیری از امراض خاص را به او یاد دهند. در این کلاسها جزوهای نیز به آنها داده می‌شود تا مطالعه کنند.

چه اشکالی دارد که در آن لحظه خاص و حساس شروع زندگی، یک روحانی متخصص و آشنا به مباحث

در آن روایت امام صادق علیه السلام فرمود: «الْبَنَاتُ حَسَنَاتٌ وَ الْبُنُونَ نِعَمٌ وَ الْحَسَنَةُ يُثَابُ عَلَيْهَا وَ النَّعْمَةُ يُسْتَلُّ عَنْهَا»، اگر پدر و مادر، دختر را به منزله حسنه‌ای مثل تلاوت قرآن و نماز شب نگاه کنند، می‌فهمند چگونه با او تعامل داشته باشند و همچنین پسر را که نعمت است.

۱. پایه‌های تربیت به پدر و مادر برمی‌گردد. در حدیث نبوی آمده است که: «كُلُّ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ عَلَى الْفِطْرَةِ وَ اِنَّمَا اَبَوَاهُ يَهُودَانِهِ وَ نَصْرَانِهِ وَ يَمَجْسَانِهِ».

۲. همه مردم در مساجد و محافل مذهبی حضور پیدا نمی‌کنند. باید

مشکل امروز ما این است که بعضی از پدر و مادرها فرهنگ دینی ندارند تا بتوانند فرزندانشان را درست تربیت کنند. به عبارت دیگر، امروز بسیاری از اساتید بی سواد و بدون مدرک، در کرسی تربیت فرزندان قرار گرفته اند. مادری بی ادب می خواهد فرزندی مؤدب تربیت کند. پدری بدون اخلاق می خواهد فرزند با اخلاق تربیت کند. پدر و مادر شیعه اند؛ ولی فرزند از اخلاق اهل بیت علیهم السلام در خانه اش هیچ بویی نمی برد. این فرزند گناهی ندارد. طرح امنیت اجتماعی کار بسیار ارزشمندی است؛ اما چه موقع نافذ و مؤثر است؟ اینکه در خیابان بگوییم: خانم! روسری را پایین بکش! از این حرف ۵ متر کار می کند؛ تا مأمور بعدی؛ اما وقتی که این خانواده با حجاب آشنا شود، اصلاً نیازی نیست که من در خیابان بگویم: خانم! چادرت را مواظبت کن. بنده در انگلستان بودم،

خانواده در چند دقیقه زوجین را با مسائل خاص زندگی از نگاه دین آشنا کند؟

البته لازم است که این روحانی اهل ذوق، عالم و آگاه به مسائل باشد. کسانی که به مسائل خانوادگی آشنا و کارشناس باشند، باید چنین وظیفه ای را انجام دهند. روانشناس غیر متخصص در آیات و روایات نیز فایده ای ندارد. ما روان شناسی را باید از نهج البلاغه و احادیث اهل بیت علیهم السلام یاد بگیریم.

زوجهای جوان معمولاً از دین حرف شنوی دارند؛ اینها که لا ابالی نیستند. همین که فرهنگ ازدواج و سنت نبوی را انتخاب کرده است؛ یعنی قدم در دین گذاشته ما باید دستش را بگیریم و در این کلاس بگوییم: عزیزان! انشاء الله با خدا باشید و معیارهای اخلاقی را تذکر دهیم و بعد به او کتابی معرفی کنیم تا او راهش را بیابد.

خانم محبّه عقیقه‌ای با چادر عربی و پوشیه و دستکش، کالسکه بچه‌اش را حرکت می‌داد. آنجا که دیگر برای حجاب اجبار نیست. جلو رفتم، گفتم: سلام خدا بر حجاب فاطمی شما! او گفت: حاج آقا! مگر قبر راست نیست؟ مگر قیامت راست نیست؟ وقتی این باور باشد، در انگلستان هم شما می‌بینید حجاب و عفت بها دارد؛ اما بر عکس، در سفرهای خارجی - که حتماً عزیزان تشریف برده‌اند. - همین که از ایران خارج می‌شویم، یک دفعه بعضی از روسریها کنار می‌رود، برای چه؟ برای اینکه خانواده‌شان با حجاب آشنا نشده‌اند. ما باید به سوی خانواده‌ها برگردیم و در خانواده‌ها باید از طلیعه زندگی کار کنیم.

#### حجت الاسلام و المسلمین نبوی

بخشی از صحبت‌های دوستان به علل و آسیب‌های اخلاقی اجتماعی بر می‌گشت. بخشی نیز به اینکه از کجا

شروع کنیم تا بیش‌ترین تأثیر را داشته باشد. حقیقت این است که اگر مقداری مباحث را به طرف این موضوع ببریم که مبلغین از چه زاویه و با چه روشی کار خودشان را شروع کنند، مناسب‌تر است؛ مثلاً اهمیت خانواده را می‌داند و می‌داند که از خانواده باید شروع کند؛ اما آیا صرفاً پرداختن به خانواده از طریق منبر خوب است یا مثلاً روزی دو ساعت در مساجد وقت بگذارد و به خانواده‌ها مشاوره بدهد. این هم یک طریق است. طریق دیگری که ممکن است مطرح باشد این است که اصلاً مبلغ مثل طیب خانواده برنامه‌ای داشته باشد؛ در هفته دو - سه روز وقت بگذارد و دو ساعت به طور گردش در روستایی که هست، به خانواده‌ها سر بزند و از قبل به آنها بگوید: که مثلاً روز دوشنبه به این خانواده‌ها سر می‌زنم، یا به آنها بگوید من آمادگی‌اش را دارم که به منزل شما بیایم و مسائل خانوادگی شما را بررسی کنم و کمک‌تان بدهم.

خیرش دهد، منبرش عالی است و خیال می‌کنند شوهرشان شنیده است. همین یک سویاپ اطمینان اجتماعی است؛ یعنی فضایی برای عقده‌گشایی است. می‌بیند کسی دارد با بیان گویایی همان درد دل‌های خودش را منتقل می‌کند. اگر این منبر از هیچ زاویه دیگری نیز مؤثر نباشد؛ بلکه فقط از همین زاویه به بحث نگاه کنیم، همین حداقل نیز خیلی مؤثر است. خیلی از اوقات فشارهای عصبی خانواده به همین وسیله کاهش پیدا می‌کند. گاهی بعضیها نزد پیامبر خدا ﷺ شکایت می‌کردند؛ مثلاً خانمی از دست شوهرش به پیامبر شکایت کرد. حضرت فرمودند: «شوهر تو همانی است که در چشمش سفیدی است؟ مانده بود چه بگوید. وقتی کمی دقت کرد، دید که در چشم همه سفیدی است، خنده‌اش گرفت. پیامبر مشکلش را حل نکرد، با شوهر او نیز حرفی نزد؛ ولی با همین یک لحظه خندیدن مقداری از

حریم شکنیهای پدر و مادر که در فیلمها مشاهده می‌شود، اثرات منفی خود را به جای خواهد گذاشت. اگر یک برنامه‌ریزی جامع برای بیان احکام انجام شود و احکام در خانواده‌ها رسوخ کند؛ چه از طریق تلویزیون و چه در تبلیغات خیابانی و بعد هم منابر، تا حد زیادی مشکلات حل می‌شود.

حقیقت این است که وقتی در منبرها مباحث خانوادگی مطرح می‌شود، مردم خیلی احساس لذت می‌کنند، ولو بدون تأثیر؛ یعنی وقتی که علیه مردان ظالم صحبت می‌شود، خانمها در آن جلسه می‌گویند: خدا

صورت حضوری یا با تلفن، ایمیل، اینترنت و ...

۲. در بحث مشاوره با خانواده کار را جدی بگیریم. هم راه را برای مشاوره باز کنیم و هم روش مشاوره را یاد بگیریم و هم بدانیم که مردم خوشیهای خود را نزد مشاور نمی آورند و گرفتاریشان را تعریف نمی کنند. اگر مشاور خانواده، ظرفیت لازم را نداشته باشد، شاید کم بیاورد و برای خودش مشکل آفرین باشد؛ از اینرو ما نیازمند تربیت مبلغ و مشاورین ویژه خانواده هستیم.

۳. کسانی که پای منبر می آیند، کم و بیش از معارف دین بهره مند می شوند؛ اما کسانی که نمی آیند؛ گاهی مشکل دارند و راه چاره را نیز نمی دانند. یکی از راههای انتقال پیام الهی به این افراد این است که بحثهای ازدواج را به صورت مختصر در چند محور خلاصه کرده و ضبط کنیم و به مردم، مخصوصاً جوانهای در شرف ازدواج بدهیم. مثلاً در جشنهای

عقدده هایش بیرون ریخت و احساس آرامش کرد. خود آن احساس آرامش در کلام پیامبر ﷺ دنبال شده است. ما اگر به خانه ها برویم و در کنار خانواده ها بنشینیم و حرفهای آنها را فقط بشنویم و هیچ توصیه ای هم نکنیم، مؤثر است. وقتی روحانی را سنگ صبور خود دانستند، بسیاری از عقدده های آنها گشوده می شود. از بزرگواران تقاضا داریم که با این دید به مباحث نگاهی داشته باشند تا رهنمودی برای مبلغان دیگر باشد؛ البته تمام مباحثی که دوستان مطرح کردند، در موضوع بحث و مفید بود.

### حجت الاسلام و المسلمین

#### ماندگاری

درباره روش تبلیغ برای خانواده چند پیشنهاد عرض می کنم:

۱. به مردم توصیه کنیم که روحانی خانواده داشته باشند. با یک روحانی که زبان آنها را می فهمد، به هر طریق که می توانند، ارتباط داشته باشند؛ به

**اگر زنی فرهنگ دینی در  
وجودش نباشد، اعتقادات  
دینسی اش ضعیف باشد،  
اخلاقش اسلامی نباشد،  
روی زندگی و بچه‌هایش  
تأثیر زیادی خواهد**

### گذاشت

در قم اساتید بزرگواری هستند،  
۱۰ تا ۲۰ محور را درست کنیم، اینجا  
استودیو داشته باشد، نه فقط در  
مباحث خانواده؛ بلکه در روابط دختر  
و پسر و... اساتید، مباحث را بگویند  
و ضبط شود و بعداً آنها را پخش  
کنیم.

### حجت الاسلام و المسلمین مرتجی

#### خوانساری

ما خیلی دیر به فکر افتادیم؛ ولی  
حالا هم که به فکر افتادیم، خودش  
قابل تقدیر است. اگر خداوند یاری  
کند که پایه و اساس برنامه در سطح

ازدواج دانشجویی به آنان بدهیم تا  
گوش کنند. می‌شود ریز مطالب  
کاربردی را با ادبیات امروز بیان کرد  
و به دست مبلغین داد تا در مساجد و  
اماکن دیگر به خانواده‌ها بدهند. هر  
کس آنها را گوش کند، اگر مفید دید،  
به دیگران هم توصیه می‌کند.

علاوه بر این، همه ما خطبه عقد  
می‌خوانیم. چه اشکالی دارد وقتی که  
خطبه عقد خواندیم، به عروس و  
داماد، چند سی دی هدیه بدهیم و  
بگوییم: بیایید این بحثها را هم گوش  
کنید، که در اوّل زندگی شما مفید  
است. من هر وقت خطبه عقد  
می‌خوانم، کمی با عروس و داماد  
حرف می‌زنم و می‌گویم: نه مرد  
سالاری درست است، نه زن سالاری،  
نه مادر زن سالاری، نه پدر زن  
سالاری؛ فقط دین سالاری درست  
است. و باید دین در زندگی ما باشد.  
بیایید دین را خطکش خودتان قرار  
بدهید. دین حتی در رفع دعوی شما  
هم حرف دارد. در کارهایتان دین  
گفته است که چه کنید.



کشور گسترده و با هدایت عالی آیتا... مقتدایی تداوم پیدا کند، امید است که به نتیجه خوبی برسیم.

نکته‌ای که زیر بنایی‌تر به نظر می‌رسد این است که کسی روی توحید و معرفت نسبت به پروردگار کار نمی‌کند. شما امروز نمی‌توانید کلاسی را معرفی کنید که معرفت و

توحید را به صورت مطلوب به فرزندان ما یاد بدهد. خود ما چند کلاس توحید برای فرزندانمان گذاشتیم؟ برای فرزند خودمان چند ساعت راجع به توحید حرف زدیم؟ اینکه در جامعه می‌بینید، صبح و بعد از ظهر، رفتارها و حرکتها تغییر می‌کند، برای این است که معرفت واقعی توحیدی نیست. این است که وقتی گرسنه می‌شوند، شرف را می‌فروشند، انسانیت را لگد مال می‌کنند، مقدسات را زیر سؤال می‌برند، به هر گناهی برای سیر کردن

شکمشان دست می‌زنند. اینها به این علت است که زیر بنا خراب شده است. چنین آدمهایی وقتی سیر می‌شوند، اول کاری که می‌کنند این است که با خدا قطع ارتباط می‌کنند و نماز نمی‌خوانند، آن وقت اگر آنها را پشت میز هم بنشانید، خطرناک‌تر از هر عنصری می‌شوند.

این ظواهر امر را که آقایان فرمودند، برای من لذت‌بخش بود و به نکات قابل دقتی نیز توجه شده بود؛ ولی من پیشنهاد این است که از الان شروع کنیم و هر طلبه‌ای هر کجا رفت، یک کلاس توحیدی ارائه کند؛ همانطور که قدیم وقتی طلبه‌ها وارد قم می‌شدند، حداقل یک دوره معرفت‌الله را یاد می‌گرفتند.

#### حضرت آیت الله مقتدایی

برای من خیلی باعث افتخار است که در جمع شما بزرگواران و مبلغان محترم حضور داشته باشم و از

ما اگر به خانه‌ها برویم و در کنار خانواده‌ها بنشینیم و حرفهای آنها را فقط بشنویم و هیچ توصیه‌ای هم نکنیم، مؤثر است. وقتی روحانی را سنگ‌صبور خود دانستند، بسیاری از عقده‌های آنها گشوده می‌شود. از بزرگواران تقاضا داریم که با این دید به مباحث‌نگاهی داشته باشند تا رهنمودی برای مبلغان دیگر باشد

وضع تبلیغی ما در کشور مطلوب نیست و از جهات مختلف باید برای آن برنامه‌ریزی و تلاش کرد؛ مثلاً در

برادران بزرگوارمان که در جهات مختلف در معاونت تبلیغ تلاش می‌کنند تشکر می‌کنم. اخیراً به مناسبتی جناب آقای نبوی گزارشی از فعالیت‌هایی که در معاونت تبلیغ دارند، برای دفتر مقام معظم رهبری ارسال کرده‌اند. دفتر آقا، خدمت مقام معظم رهبری داده‌اند و جناب آقای محمدی گلپایگانی حس کرده بودند مقام معظم رهبری خیلی خوششان آمده است. مقام معظم رهبری فرموده بودند که از زحماتی که کشیده شده تقدیر و تشکر شود و توصیه کرده بودند که کارها با همین شتابی که پیش می‌رود، پی‌گیری شود. تعبیر کرده بودند که با همین شتابی که کارها پیش می‌رود، دغدغه ضعف تبلیغ در کشور برطرف بشود. ما هم تشکر می‌کنیم، واقعاً زحمت می‌کشند؛ از جمله تشکیل همین جلسه است.

بعد علمی و اخلاقی لازم است اقداماتی صورت گیرد.

ما کار را شروع کردیم و ان شاءالله ادامه خواهیم داد. این جلسه هم جلسه بسیار خوبی است و بزرگوارانی در آن جمع شده‌اند که بحمدالله هر کدامشان در کرسی خطابه خدماتی انجام می‌دهند. بحث در این جلسه راجع به خصوص راهکارهای سقوط اخلاقی خانوادگی است. من یک بحث کلی می‌کنم، شاید قابل استفاده باشد.

مرحوم شهید فرموده‌اند: «وَأَعْلَمُ أَنَّ التَّنَبُّسَ بِالْعِلْمِ مَنْظُورٌ إِلَيْهِ خَطِيبِي كَهَ بِالْأَيِّ مَنبَرٍ مِي نَشِينِد «منظور الیه» است؛ چشمها به او دوخته شده. تمام اعمال و رفتار و حرکات و سکنااتش مورد توجه مردم و زیر ذره بین است. مطلب خیلی مهمی است. توجه به این مطلب برای ما خیلی می‌تواند مؤثر باشد. دیگران به او تاسی می‌کنند. «مَتَّاسِي بِفِعْلِهِ وَ قَوْلِهِ وَ هَيْبَتِهِ»

کیفیت نشست و برخاست، پوشیدن لباس، نگاه کردن، تبسم، اخم کردن و اعمالی که انجام می‌دهد، مورد توجه است و وقتی دیگران که به این روحانی نگاه می‌کنند، تقلید می‌کنند. «فَإِذَا حَسُنَ سَمْتُهُ وَ صَلَحَتِ أَوْأَالُهُ وَ تَوَاضَعَتِ نَفْسُهُ وَ أَخْلَصَ اللَّهُ عَنْهُ انْتَقَلَتْ أَوْصَافُهُ إِلَى غَيْرِهِ مِنَ الرَّعِيَّةِ؛ وقتی رفتار، صفات، خصوصیات اخلاقی، تواضع، صداقت، حسن عمل، خیرخواهی، مهربان بودن، پدران عمل کردن و خلوصش را می‌بینند «انْتَقَلَتْ أَوْصَافُهُ إِلَى غَيْرِهِ مِنَ الرَّعِيَّةِ وَ فَشَا الْخَيْرُ فِيهِمْ»، این خوبیها که در این آقا جمع بود، در بین تمام مردم منتشر می‌شود. اگر این آقا راجع به خانواده خودش خوب عمل کرد، دیگران هم می‌فهمند که او نسبت به خانواده و فرزندان و حسن عمل دارد: «فَشَا الْخَيْرُ فِيهِمْ وَ انْتَضَمَتِ أَوْأَالُهُمْ؛ مردم هم حالاتشان رو به راه می‌شود و بین آنها خیر رواج پیدا می‌کند.

خودمان ایجاد کنیم و فرمود: «مَتَى لَمْ يَكُنْ كَذَلِكَ»، اگر ما طلبه‌های متلبس به این گونه علم نشدیم: «كَانَ النَّاسُ دُونَهُ فِي الْمَرْتَبَةِ الَّتِي هُوَ عَلَيْهَا»؛ شکی نیست که مردم از ما پایین‌تر هستند. در رفتار و اعمال و خویبهایی که در این طلبه بود، مردم پایین‌تر قرار می‌گیرند: «دُونَهُ فِي الْمَرْتَبَةِ الَّتِي هُوَ عَلَيْهَا فَضْلًا عَنْ مُسَاوَاتِهِ فَكَانَ مَعَ قَسَادِهِ فِي نَفْسِهِ مَنَشَأَ لِفَسَادِ النَّوْعِ». برای ما مصیبت بزرگی است؛ چون آن صفات خیر را در خودش قرار نداده و خودش فردی است که فاقد آن صفات است؛ لذا موجب فساد نوع انسانها می‌شود.

امیدوار هستیم که ان‌شاءالله خداوند به همه ما توفیق بدهد تا بتوانیم با عمل خودمان جامعه را اصلاح کنیم.

**اگر یک نفر اندکی در مسائل خانوادگی تخصصی عمل کند، زود چهره شده و مراجعاتش زیاد می‌شود. این، هم نشان می‌دهد که مشکل در خانواده‌ها زیاد است و هم علامت این است که کسانی که اهل تخصص باشند کم هستند**

پس ما اگر این را وظیفه بدانیم که صرف اینکه برویم روی منبر مطالبی را بگوییم نباشد، در ذهنمان باشد که ما منظوراً الیه هستیم؛ صفات، حالات، هیئت و رفتار ما به دیگران منتقل می‌شود. اگر می‌خواهیم جامعه را خوب کنیم، باید از خودمان شروع کنیم. اگر می‌خواهیم خیر و خوبی، صفات نیک، خلوص عمل و تواضع بین همه مردم رواج پیدا کند، در